

**پژوهشکده تحقیقات راهبردی: به عنوان نویسنده کتاب «کلیات قانون مجازات اسلامی» بفرمایید که روند نگارش این قانون چگونه بود و از کی شروع شد و چه روندی را در نظریه پردازی و نوشتن این مواد طی کرد؟**

«قانون مجازات» در ایران نخستین بار در زمان ناصرالدین شاه (سال ۱۲۵۰) نوشته شد و قبل از اینکه مجلس در ایران به وجود بیاید، فردی به نام «کت مونت» از فرانسه آمد و کتابچه‌ای طراحی کرد که در آن خطوط قرمز زندگی در جامعه شهری ایران را تعیین و با امضای حکومتی به یک دستورالعملی برای اداره جامعه تبدیل شده بود. اسم این قانون «کتابچه قانونی کت» بود. قبل از شروع قانون گذاری در ایران ما کتابچه قانون داشتیم، کتابچه قانون گذاری کت، نخستین «قانون عرفیه ایران» است؛ یعنی در مسیر عرفی شدن اولین بار ناصرالدین شاه قدم برداشت. پیش از مشروطه، هم کتابچه قوانینی از ترجمه قوانین اروپایی وجود داشت و هم قوانین مجازات‌هایی بود که زندگی نیمه شهری و روستایی جامعه ایران را در بر می‌گرفت. این امر ادامه داشت و بعد از تصویب مشروطه و شروع به کار پارلمان ایران و شورای ملی، قوانین آن نوشته شد که قوانین خاصی بود.

بنابراین ما قانون جامعی نداشتیم تا ۱۳۰۴ که قانونی به نام «قانون کیفر همگانی» یا همان قانون مجازات عمومی نوشته شد و سپس اسامی در این قانون تغییر کرد. این قانون قبل از آیین دادرسی کیفری در ۱۲۹۱ در زمان قاجار نوشته شده بود و این‌ها پایه‌های حقوق کیفری مدرن ایران شدند. قانون کیفر همگانی هم از قانون ناپلئون در ۱۸۱۰ گرفته شده بود و ترجمه‌ای از ابواب آن بود و در موارد شرعی به طور کلی حدود و قصاص را به موازین شرعی سپرده بود و گفته می‌شود تنها دوره‌ای که حدود و قصاص دقیق اجرا می‌شد، این دوره بود.

قانون کیفر همگانی در واقع نخستین قانون جامع کیفری مدون بود که به تصویب مجلس رسید و شهید «مدرس» هم در نگارش آن همراهی کرد. البته با قوانین عرفی هم مخالفت‌هایی داشت؛ ولی بالاخره شهید مدرس حامی آن بود و تغییراتی هم نسبت به قبل کرد تا برای جامعه ایرانی سازگار باشد. این روند ادامه داشت تا ۱۳۵۲

که کلیات این قانون عوض شد و «کتاب کلیات ۱۳۵۲» از قانون جدید فرانسه ترجمه و جایگزین شد و مقررات آن اصولی داشت که جامعه مدرن را راهبری می‌کرد.

قانون کیفر همگانی از قانون مجازات کیفری ۱۳۵۲ بومی‌تر بود. بعد از پیروزی انقلاب در ۱۳۶۱ قانون مجازات که چارچوب کلی قوانین کیفری است با نام «قانون راجع به مجازات اسلامی» تصویب شد که همان قانون ۱۳۵۲ با تغییراتی اندک بود؛ از جمله اینکه جاهای خلاف آن تغییر یافته، مقررات ابهام‌برانگیزی که به صراحت مسائل را در نظر نگرفته بود، اصلاح شد. در سال ۱۳۷۱ قانون راجع به مجازات اسلامی کتاب اول مجازات اسلامی بود که «قصاص و دیات» هم بعد از آن آمد و در ۱۳۷۵ هم کتاب «تعزیرات» اضافه شد؛ اما یک قانون جامع مجازات اسلامی از سال ۱۳۷۰ داشتیم که این قانون چارچوب تئوریک «اصل ۴» نبود که کلیه قوانین و مقررات آن را از متن شریعت گرفته و منبعث از آن باشد.

**۹۹ قانون کیفر همگانی در واقع نخستین قانون جامع کیفری مدون بود که به تصویب مجلس رسید و شهید «مدرس» هم در نگارش آن همراهی کرد. البته با قوانین عرفی هم مخالفت‌هایی داشت؛ ولی بالاخره شهید مدرس حامی آن بود و تغییراتی هم نسبت به قبل کرد تا برای جامعه ایرانی سازگار باشد. این روند ادامه داشت تا ۱۳۵۲ که کلیات این قانون عوض شد و «کتاب کلیات ۱۳۵۲» از قانون جدید فرانسه ترجمه و جایگزین شد و مقررات آن اصولی داشت که جامعه مدرن را راهبری می‌کرد. ۶۶**

بعد از ۱۳۷۵ خیلی از اندیشمندان داخلی و قضات و اساتید دانشگاه نقدهای زیادی به این قانون وارد می‌کردند و مهم‌ترین نقد این بود که این قانون چارچوب نظری برای اعمال کیفری در جمهوری اسلامی ایران ندارد. متن‌های متعددی برای قانون مجازات نوشته شد که برخی از آن‌ها را دستگاه قضایی و بعضی را هم مسئولان دانشگاهی نوشتند. متنی را هم در مجلس ششم آقای دکتر «اردبیلی» استاد دانشگاه شهید بهشتی به رشته تحریر درآورده بودند که هم قوانین فعلی

و هم قوانین سابق اصلاح شده بود و ترجمه‌ای از قانون فرانسه و به عبارتی ترجمه و تلفیقی از قوانین موجود و قوانین مدرن فرانسه بود؛ ولی باز هم در هیچ‌کدام خط نظری اسلامی را در قوانین نمی‌دیدیم.

در سال ۱۳۸۰ این قانون تقسیم‌بندی شده بود که کتاب «کلیات» در تهران و کتاب «حدود، قصاص و دیات» را در قم فقها نوشتند. این امر موجب شکاف نظری در قانون مجازات‌ها شد که قسمت اولش پیش‌نویس کاملاً مدرن و امروزی و قسمت دوم و سوم و چهارم که بحث‌های شرعی بود کاملاً سنتی نوشته شده بود و ترجمه‌ای از مواد فقهی‌ای بود که برخلاف قانون قبلی که از تحریرالوسیله بود، این بار از کتاب مبانی آیت‌الله خوبی گرفته شده بود؛ به واسطه اینکه آقای شاهرودی در آن مکتب رشد کرده بود. در نهایت بنده به این نتیجه رسیدم که این چارچوب نظری در هیچ‌کدام از این پیش‌نویس‌ها وجود ندارد. چارچوب نظری به این معنا که اصول کلی و اهداف شرعی قانون‌گذار اسلامی و شارع مقدس به دنبال آن است باید در قانون پیاده شود؛ مسئله‌ای که در قوانین قبلی نبود و دایم به این فکر می‌کردم که این خط زربین قانون چقدر باید باشد که در همه مواد و فصول و فضای آن تکرار شود و به وجود بیاید. از این‌رو مطالعه تطبیقی مبانی شرعی و قوانین کیفری را آغاز و نظریه‌ای را پیگیری کردم که در واقع موضوع پایان‌نامه فوق‌لیسانس من را با عبارت «نظریه شدت و عدم قطعیت مجازات‌ها» شکل داد. در دنیا سه نظریه اصلی درباره نحوه اعمال بازدارندگی کیفر وجود دارد که به ترتیب نظریه‌های «شدت و قطعیت مجازات‌ها»، «عدم شدت و قطعیت» و «شدت و عدم قطعیت» است.

نظریه نخست را در ایالات متحده آمریکا مشاهده می‌کنیم که پنج نظریه جرم‌شناسی «پنجره شکسته، تسامح صفر، سه ضربه، حقیقت در حکم و صدور حکم اجباری» آن را پشتیبانی می‌کند. در مجازات‌های آمریکایی مجازات‌ها تشدید و موجب شده که دست قضات برای اعمال تخفیف‌های قضایی از جمله تخفیف، آزادی مشروط و غیره بسته شود و میزان مجازات مرتکب زیاد شود.

نظریه دوم مجازات‌های اروپایی هستند که